



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

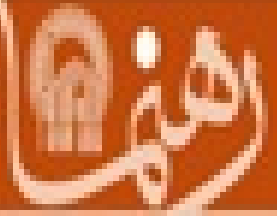
.org

.net

.ir

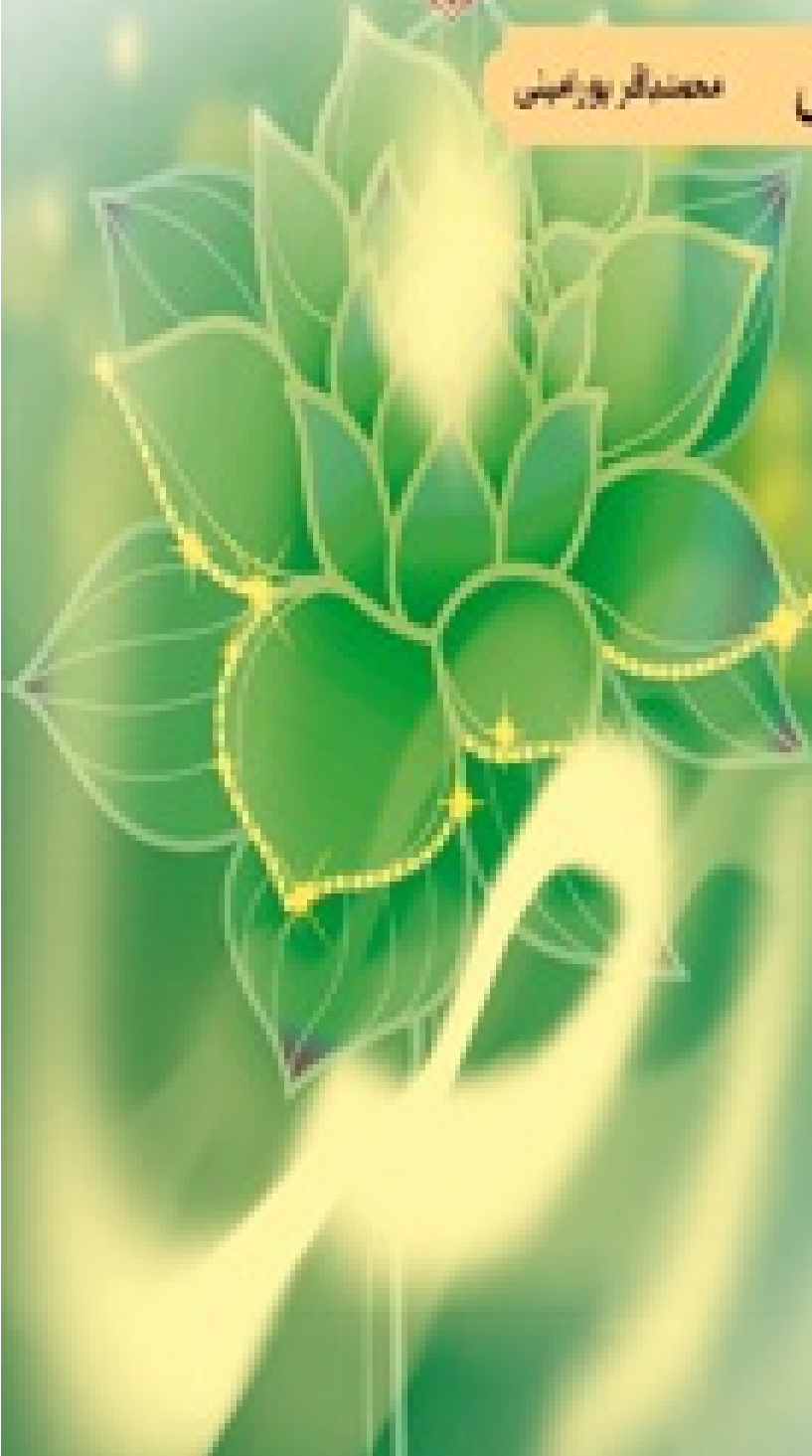


استاذ اعلیٰ و فاضل  
مدرسہ اسلامیہ دارالافتاء



## ہفت گام برای زندگی جمعی

مصدقہ پورانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رهنما ۳۴: (هفت گام برای زندگی جمعی)

نویسنده:

محمد باقر پورامینی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	رهنما ۳۴: (هفت گام برای زندگی جمعی)
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	هفت گام برای زندگی جمعی
۱۲	درآمد
۱۴	گام اول: مهرورزی
۲۰	گام دوم: برادری
۲۶	گام سوم: رعایت حق دیگری
۳۰	گام چهارم: دست گیری
۳۸	گام پنجم: خاکساری در برابر والدین
۴۴	گام ششم: نیک سیرتی در خانه
۴۸	گام هفتم: نظارت و اصلاحگری
۵۵	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: پورامینی، محمدباقر، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: هفت گام برای زندگی جمعی، با الهامی از فرهنگ رضوی / نویسنده محمدباقر پورامینی؛ [ برای ] معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [ آستان قدس رضوی ].

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۵۲ص.؛ ۱۷×۱۱اس م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۷۹-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. -- نظریه درباره آداب معاشرت اسلامی

موضوع: آداب معاشرت اسلامی

موضوع: اخلاق اسلامی

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی

رده بندی کنگره: BP۴۷/۳۵ پ۷۰۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۸۳۱۸

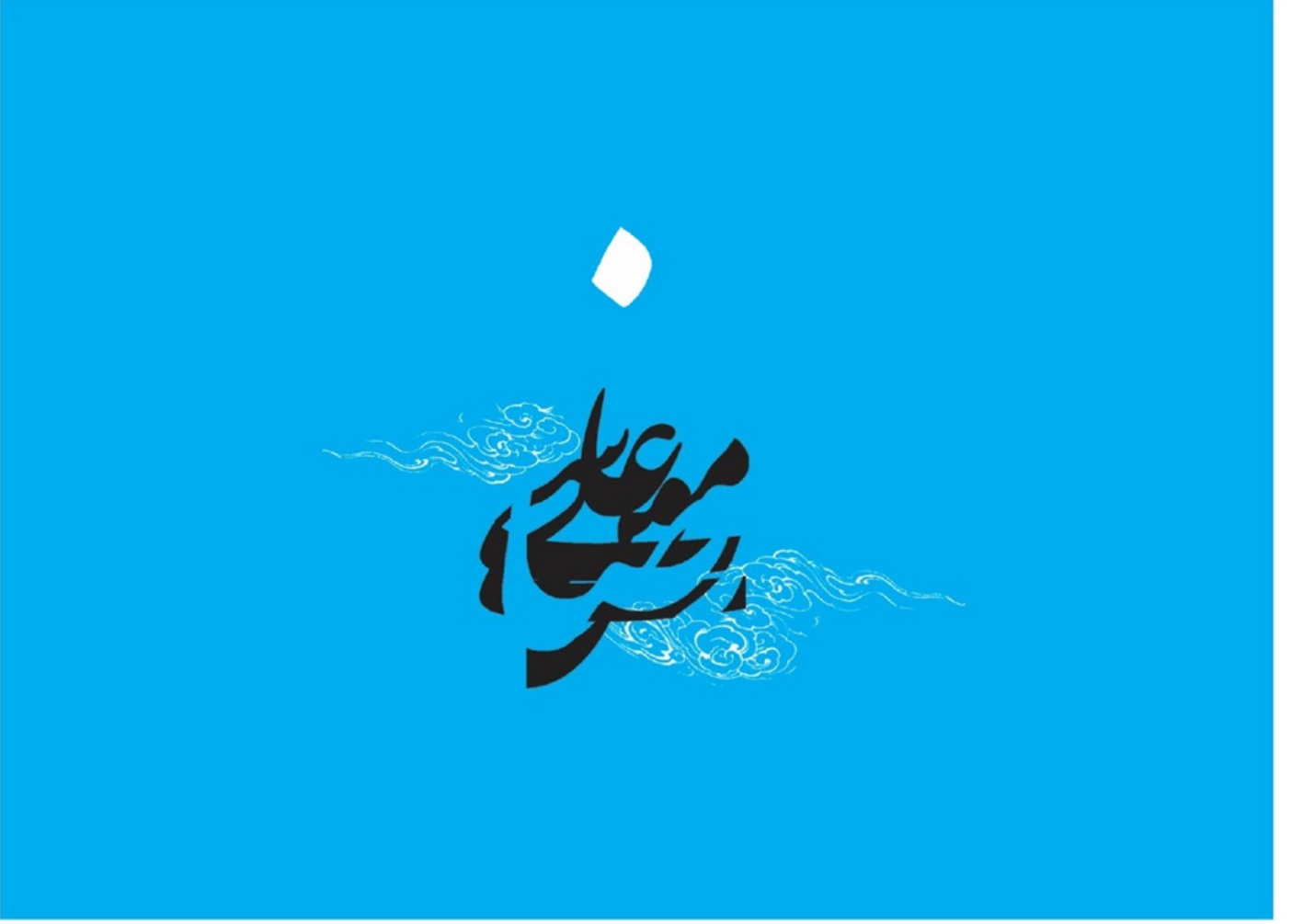
ص: ۱

اشاره









## هفت گام برای زندگی جمعی

با الهام از فرهنگ رضوی

پرسش های زیر را، در این نوشتار، پاسخ می گیرید:

- از امام رضا سخنی شنیده ام که طی آن، ایشان به مهرورزی با مردم اصرار دارند؛ لطفاً آن را بیشتر تبیین کنید و از نوع رفتار ایشان بنویسید؟
- دوستان ما چه حقی بر گردن ما دارند؟ برادری به چه معنی است؟
- آیا در زندگی با مردم، می توان شاخصی برای بهترین زندگی یا بدترین زندگی مشخص کرد که

ص: ۵

ما، خود را با آن بسنجیم و برای بهتر شدن، در راستای آن تلاش کنیم؟

- چرا اسلام به انفاق و کمک به دیگران توصیه می کند؟ سیره امام رضا در این زمینه چگونه بوده است؟
- پدر و مادر بخش مهمی از زندگی ما را شکل می دهند؛ درباره حقوق و وظیفه ای که در قبال آن ها، برعهده ماست، توضیح دهید؟
- در خصوص نحوه معاشرت و رفتار با اهل خانواده بگویید. منش امام رضا با خانواده خود چگونه بود است؟
- از رعایت حقوق مردم و احترام به آنان، زیاد خوانده ام. در این زمینه، شیوه امام رضا چگونه بوده است؟
- متأسفانه می بینیم که کسی به امر به معروف و نهی از منکر توجهی نمی کند و بسیاری مردم از این فریضه مقدس غافل اند. از دیدگاه امام هشتم، درباره آن، توضیح دهید؟

ص: ۶

هر کس شیوه ای برای زندگی خود انتخاب می کند؛ او با آن سبک زیستن دمساز است و روزگار می گذراند در لاک خود است و جز حریم زندگی خود، دغدغه ای ندارد. اما وقتی زندگی را با شاخصی الهی بسنجیم، سبک زندگی تغییر می کند و گستره وسیعی می یابد: دیگران بخشی از زندگی انسان می شوند و توجه به مردم و رعایت حق آنان، بخش جدایی ناپذیر افکار و اعمال آدمی می شود. در ادامه و در پرتو سخن و سیره امام رضا، هفت گام زندگی با دیگران را به نظاره می نشینیم و توفیق عمل را از خداوند مهربان، مدد می جوییم.



گام اول: مهرورزی

انسان، به صورت فطری، شیفته الفت و رفاقت است و خواهش دل، او را به مهرورزی و محبت کردن به دیگر هم کیشان خود می کشاند. البته در این میان، محبت جوان صمیمانه تر و اسرار آمیزتر از دیگران است؛ او قدرت دارد که این محبت را با دقت، مخفی کرده یا به شدت و حرارت، اظهار کند.

هین غذای دل بده از همدلی رُو بجو اقبال را از مُقبلی(۱)

از حضرت علی بن موسی الرضا این دو سخن را روایت کرده اند که هر دو، بر مهرورزی و الفت تأکید دارد: اول، «التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ نَضِيفُ الْعَقْلِ» (= مهرورزی و محبت با مردم، نیمی از عقل است)(۲) و دوم، «رَأْسُ الْعَقْلِ، بَعْدَ الْإِيْمَانِ بِاللَّهِ، التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ.» (= اساس خردورزی، پس از ایمان به خدا،

ص: ۱۰

---

۱- . مثنوی معنوی، ج ۱، بیت ۷۲۶.

۲- . تحف العقول، ص ۴۴۳.

منش امام آیینۀ تمام نمای آیین الفت و دوستی است: «نوع برخورد و معاشرت پسندیدهٔ امام به گونه ای بود که بدون استثنا، در دل های مردم نفوذ فراوان داشت.» (۲) همواره متبسم و خوش رو بودند و در معاشرت نیکو، سرآمد و مثال زدنی. ابراهیم بن عباس می گفت: «امام رضا با سخن، هرگز به هیچ کس جفا نکردند و کلام کسی را نبردند تا مگر شخص از گفتن، باز ایستد. حاجتی را که می توانستند برآورده سازند، رد نمی کردند. پاهایشان را دراز نمی کردند و هرگز روبه روی کسی که نشسته بود، تکیه نمی دادند و هیچ کس از غلامان و خادمان خود را دشنام نمی دادند. هرگز آب دهان بر زمین نمی افکندند و در خنده شان قهقهه نمی زدند، بلکه تبسم می کردند.» (۳)

ص: ۱۱

---

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۵.

۲- ذہبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳- اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۱۶.



امام با زیردستان و خادمان خود با مهربانی و ملایمت برخورد می کردند: وقتی تنها می شدند، همه آنان را جمع می کردند، بزرگ و کوچک، و با آنان سخن می گفتند؛ با آنان انس می گرفتند و آنان با او. در تنهایی، هنگامی که برای امام غذا می آوردند، آن حضرت خادمان و حتی دربان و نگهبان را بر سر سفره می نشاندند و با آن ها غذا می خوردند. مردی از اهالی بلخ می گفت که در سفر خراسان با امام رضا همراه بودم. روزی سفره گسترده بودند و امام همه خدمتگزاران و غلامان، حتی سیاهان را، بر آن سفره نشاندند تا همراه او غذا بخورند. من به امام عرض کردم: «فدایتان شوم... بهتر است اینان بر سفره یی جداگانه بنشینند.» فرمودند: «ساکت باش! پروردگار همه یکی است، پدر و مادر همه یکی است و پاداش هم به اعمال است.»<sup>(۱)</sup>

حضرت به آمدوشد مؤمنان با یکدیگر، تأکید داشتند و می فرمودند: «سخنی از غذای مردم

ص: ۱۲

---

۱- . کافی، ج ۸، ص ۲۳۰.

می خورد تا مردم هم در سر سفره او حاضر شوند و از غذاهای او بخورند؛ ولی بخیل برای اینکه مردم از طعام او نخورند، از خوردن طعام دیگران خودداری می کند.»<sup>(۱)</sup> همچنین، ایشان مهمان را دوست می داشتند و بر اِکرام او پای می فشردند: شبی، امام میهمان داشتند. در میان صحبت، چراغ نقصی پیدا کرد. میهمانِ امام دست پیش آورد تا چراغ را درست کند؛ امام نگذاشتند و خود این کار را انجام دادند و فرمودند: «ما گروهی هستیم که میهمانان خود را به کار نمی گیریم.»<sup>(۲)</sup>

فروتنی امام مثال زدنی بود: «یک بار، شخصی که امام را نمی شناخت، در حمام، از امام خواست تا او را کیسه بکشد. امام پذیرفتند و مشغول شدند. دیگران امام را بدان شخص معرفی کردند و او با شرمندگی به عذرخواهی پرداخت؛ ولی امام، بی توجه به عذرخواهی او، همچنان

ص: ۱۳

---

۱- همان، ج ۴، ص ۴۱.

۲- همان، ج ۶، ص ۲۸۳.

او را کیسه می کشیدند و او را دلداری می دادند که طوری نشده است.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۴

---

۱- ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۳۶۲.

گام دوم: برادری

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ آن گونه که در کتاب الهی به عنوان یک قانون از آن یاد می شود: [إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ].<sup>(۱)</sup> این آیه نسبتی را میان مسلمانان برقرار می سازد که قبلاً برقرار نبود و آن نسبت، برادری است. اُخْوَت در اسلام، نسبتی است که بین دو نفر برقرار می شود و آثاری شرعی و حقوقی نیز دارد.<sup>(۲)</sup>

امام رضا درباره حقوق برادران دینی تأکید داشتند؛ از جمله، به عبدالعظیم حسنی چنین بیان فرمودند که به دوستان سلام برسان و به آنان بگو: «در گفتار خویش راست گو باشند و امانت را ادا کنند؛ خاموشی را پیشه خود سازند و از جدال و نزاع بیهوده ای دوری کنند که سودی برایشان ندارد؛ به همدیگر روی آورند و به دیدار و ملاقات هم بروند، زیرا این کار موجب نزدیکی به من است؛ خود را به دشمنی و بدگویی با یکدیگر مشغول نسازند، زیرا با خود عهد

ص: ۱۶

---

۱- . حجرات/۱۰.

۲- . المیزان، ج ۱۸، ص ۳۱۶.

کرده ام که اگر کسی چنین کاری انجام دهد و دوستی از دوستانم را ناراحت کند و به خشم آورد، خداوند را بخوانم تا او را در دنیا، با شدیدترین عذاب ها مجازات کند و در آن سرا نیز از زیان کاران خواهد بود.»

... به ایشان بگو: «همانا پروردگار نیکوکارانشان را آمرزیده و از خطای گنهکارانشان در گذشته است، مگر کسی را که به خدا شرک بورزد یا دوستی از دوستانم را بیازارد یا کینه آن ها را به دل بگیرد؛ به درستی که خداوند او را نخواهد بخشید تا آنکه از کردار ناشایست خویش دست بکشد. هرگاه از این اعمال نادرست دوری گزیند، آمرزش خدا را شامل خود کرده است؛ و گرنه، روح ایمان از قلبش بیرون رفته و از ولایت ما خارج شده است و بهره ای از ولایت ما نخواهد برد و اعوذ بالله من ذلک.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۷

---

۱- . شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۴۷. و مستدرک الوسایل، ج ۹، ص ۱۰۲.

نفع رسانی به دیگری می تواند شاخصی برای برادری باشد و حرکت در این مسیر، زندگی انسان را از برترین ها قرار خواهد داد. علی بن شعیب می گوید که خدمت امام رضا رسیدم؛ به من فرمودند: «ای علی، زندگانی چه کسی بهتر است؟» عرض کردم: «سرور من؛ تو بدان آگاه تری تا من.» حضرت فرمودند: «مَنْ حَسَّنَ مَعَاشَ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ.» (= کسی که دیگری از پرتو زندگانی او، زندگی خوبی داشته باشد.) سپس پرسیدند: «حال، زندگانی چه کسی بدتر است؟» عرض کردم: «تو بدان آگاه تری.» فرمودند: «مَنْ لَمْ يَعِشْ غَيْرَهُ فِي مَعَاشِهِ.» (= کسی که در پرتو زندگانی او، دیگری زندگانی نکند.) (۱)

سخن زیر می تواند تبیین کننده دسته اول باشد: آنان که دیگران از پرتو زندگانی او، زندگی خوبی داشته باشند. از امام رضا درباره بهترین بندگان خدا پرسیدند که آنان کیستند.

ص: ۱۸

امام فرمودند: «کسانی که:

إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا؛ (= چون نیکی کنند، شاد شوند؛)

وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا؛ (= و چون بد کنند، آمرزش خواهند؛)

وَ إِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا؛ (= اگر چیزی به آنان دهند، سپاس دارند؛)

وَ إِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا؛ (= چون گرفتار شوند، بشکینند؛)

وَ إِذَا غَضِبُوا عَفَوْا. (= چون خشمگین شوند، گذشت کنند [و مانع خشم خود شوند]).<sup>(۱)</sup>

است. این ماجرا را سلیمان جعفری گزارش می کند:

ص: ۱۹

---

۱- . تحف العقول، ص ۴۴۵.





گام سوم: رعایت حق دیگری

حفظ شأن و کرامت انسان و رعایت حقوق آدمی را اصلی کلی در دین تلقی می کنند: [وَلَا تُصَيِّرْ كُفْرًا لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كَلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ.] (= با بی اعتنایی، از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه [و هرگز فریاد مزین] که زشت ترین صداها، صدای خران است.) (۱)

رعایت حقوق مردم اصلی قطعی و خدشه ناپذیر در زندگی اجتماعی امام بود. در این سیره الهی، حتی رعایت حق رنج کشیدگان، ارزش و کرامت داشت. برای نمونه، توجه به دادن دسترنج زحمت کش و تعیین مُزد، پیش از انجام دادن کار، یکی از نمونه های دغدغه مندی ام-ام است. این ماجرا را سلیمان جعفری گزارش می کند:

ص: ۲۲

برای برخی کارها، خدمت امام بودم و وقتی کارم انجام شد، خواستم مرخص شوم. امام فرمودند که امشب نزد ما بمان. همراه امام به خانه او رفتم. هنگام غروب بود و غلامان حضرت مشغول بنایی بودند. امام در میان آن‌ها غریبه‌ای دیدند و پرسیدند: «این کیست؟» عرض کردند: «به ما کمک می‌کند و به او چیزی خواهیم داد.» فرمودند: «مزدش را تعیین کرده اید؟» گفتند: «نه؛ هرچه بدهیم، می‌پذیرد.» امام برآشفتمند و خشمگین شدند. من به حضرت عرض کردم: «فدایتان شوم. خود را ناراحت نکنید...» فرمودند: «من بارها به این‌ها گفته‌ام که هیچ‌کس را برای کاری نیاورید؛ مگر آنکه قبلاً مُزدش را تعیین کنید و قرارداد ببندید. کسی که بدون قرارداد و تعیین مزد، کاری انجام دهد، اگر سه برابر مُزدش را بدهی، باز گمان می‌کند مزدش را کم داده‌ای. ولی اگر قرارداد ببندی و به مقدار معین شده

بپردازی، از تو خشنود خواهد بود که طبق قرار عمل کرده‌ای و در این صورت، اگر بیش از مقدار تعیین شده، چیزی به او بدهی، هرچند کم

و ناچیز باشد، می فهمد که بیشتر پرداخته ای و سپاسگزار خواهد بود.»(۱)

ص: ۲۴

---

۱- . کافی، ج ۵، ص ۲۸۸.

گام چهارم: دست گیری



انفاق و دست گیری نیز ضلعی از رابطه انسان مؤمن با جامعه است و مؤمن، بنابه آن، در برابر روزی خدادادی انفاق می کند. قرآن وقتی متقین را توصیف می کند، پس از بیان «ایمان به غیب» و «اقامه نماز»، از رابطه نزدیک و بخشش مستمر آنان به خلق خدا یاد می کند: [وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ]. (= و از تمام مواهبی که به آن ها روزی داده ایم، انفاق می کنند). (۱)

بی شک، روزی معنای عامی است که به روزی های معنوی و مادی اطلاق می شود (۲) و از این رو، پرهیزکاران آن هایند که نه تنها از اموال خود، بلکه از عقل، دانش، نیروهای جسمانی، مقام و موقعیت اجتماعی خود و خلاصه، از تمام سرمایه های خویش به آن هایی

می بخشند که نیازمندند؛ بی آنکه انتظار پاداشی داشته باشند. (۳) فلسفه انفاق تنها پُرشدنِ خلاءهای اجتماعی

ص: ۲۷

۱- . بقره/۳.

۲- . «انفاق، اعم از انفاق مالی می باشد». المیزان، ج ۱، ص ۴۷.

۳- . «جالب اینکه قرآن نمی گوید: من اموالهم ینفقون. (= از اموالشان انفاق می کنند)، بلکه می گوید: [مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ]. (= از آنچه به آن ها روزی دادیم). و به این ترتیب، مسئله «انفاق» را آن چنان تعمیم می دهد که تمام مواهب مادی و معنوی را در بر می گیرد.»، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۷۴.



نیست، بلکه رابطه ای با ساخته شدن دارد: اینکه انسان چیزی داشته باشد و از خود جدا کند و مظهر رحمانیت خدال شود، این امر، نقش بزرگی در ساختن انسان دارد.<sup>(۱)</sup>

قرآن در آیه ای دیگر به «بر»<sup>(۲)</sup> توصیه می کند و انفاق مال مورد علاقه را از ارکان آن می شمارد و درباره حقیقت بر می فرماید: [لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ.] (= شما هرگز به حقیقت بر و نیکی نمی رسید، مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، [در راه خدا] انفاق کنید.)<sup>(۳)</sup> خدال می داند که تعلق قلبی انسان به آنچه به دست آورده و جمع کرده است، جزء غریزه اوست: او دوست دارد مال را جمع کند و بشمارد؛ به طوری که اگر قسمتی از آن را از دست بدهد، مثل این است که

ص: ۲۸

---

۱- . مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۲- . «بر» به معنای توسع در خیر است و اعم از خیر اعتقادی و عملی می باشد. ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۰.

۳- . آل عمران/۹۲.

جزیی از جان خود را از دست داده است. پس مجاهدت انسان در انفاق مال، بیشتر و دشوارتر از سایر عبادات و اعمال است؛ چون در آن ها فوت و زوال و کمبود، چشمگیر نیست. (۱)

حضرت رضا فرمودند: «بعد از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیاء خدا از آل محمد، چیزی نخواهید داشت که نزد شما، محبوب تر باشد از کمک به برادران دینی خود در امور دنیا که وسیله رسیدن به بهشت خداست. کسی که چنین کند، از اولیاء خدا و از مقربین درگاه خدا خواهد بود.» (۲)

سیره حضرت رضا همراه با احسان فراوان بود: امام به تنگ دستان در نهان صدقه می دادند و بیشتر، این کار را در شب های تاریک به انجام می رساندند؛ تا احسان او، شرمندگی نیازمند را

ص: ۲۹

---

۱- .المیزان، ج ۳، ص ۳۴۴.

۲- .بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۸۲.

در پی نداشته باشد. (۱) روزی غریبی خدمت امام رسید و سلام کرد و گفت: «من از دوستان شما و پدران و اجدادتان هستم. از حج باز گشته‌ام و خرجی راه تمام کرده‌ام. اگر مایل اید، مبلغی به من مرحمت کنید تا خود را به وطن برسانم و در آنجا، از جانب شما، معادل همان مبلغ را به مستمندان صدقه خواهم داد؛ زیرا من در شهر خویش فقیر نیستم و اینک در سفر، نیازمند مانده‌ام.» امام برخاستند و به اطاقی دیگر رفتند و دویست دینار آوردند و از بالای در، دست خویش را فراز آوردند و آن شخص را خواندند و فرمودند: «این دویست دینار را بگیر و توشه راه کن و به آن تبرک بجوی و لازم نیست که از جانب من، معادل آن را صدقه بدهی.» آن شخص دینارها را گرفت و رفت. امام از آن اطاق، به جای اول بازگشتند. از ایشان پرسیدند که چرا کاری کردید که شما را هنگام گرفتن دینارها نبیند. فرمودند: «تا شرمندگی نیاز و سؤال

ص: ۳۰

را در او نبینم.»(۱)

ایشان هرچه داشتند، در رفع مشکل نیازمند هزینه می کردند؛ مردی به ابوالحسن رضا برخورد کرد و گفت: «به قدر مردانگی ات بر من ببخش.» امام گفت: «به این مقدار ندارم.» مرد گفت: «به قدر مردانگی خودم ببخش.» امام فرمودند: «این قدر دارم.» سپس فرمودند: «ای غلام؛ دوست دینار به او بده.»(۲)

حضرت رضا در واکنش به سخن فضل بن سهل که امام را نسبت به انفاق همه مال خود ملامت می کرد، چنین فرمودند: «لا تعدن مغرمًا ما اتبعت به اجراً و مکرماً.» (= چیزی که پاداش و کرامت بدان تعلق می گیرد، ضرر محسوب مکن.) (۳)

ص: ۳۱

---

۱- . کافی، ج ۴، ص ۲۴ و مناقب، ج ۴، ص ۳۶۰.

۲- . بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

۳- . مستدرک الوسایل، ج ۷، ص ۲۳۵.



گام پنجم: خاکساری در برابر والدین

بی شک، نوع رفتار با والدین در اولویت نخست آداب معاشرت جای دارد؛ به آن میزان که خداوند ل بدان پای می فشارد: [وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ  
بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ. وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ  
عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ.] (= و به انسان درباره پدر و  
مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با سستی در پی سستی، بارداری کرد و زمان شیرخوارگی وی دو سال بود. [سفارش این بود] که مرا و  
پدر و مادرت را سپاس بگزار که بازگشت همه به سوی من است و اگر تو را وادارند تا آنچه نمی دانی، برای من شریک آوری، از آنان فرمان  
نبر؛ و در این جهان، با آنان، به شایستگی همراهی کن و راه کسی را پیش گیر که به درگاه من بازگردد، سپس بازگشتتان به سوی من است.  
آن گاه شما را از آنچه می کرده اید، می آگاهانم.) (۱)

ص: ۳۴

قرآن توصیه می کند که بر انسان واجب است که در امور دنیوی، نه در احکام شرعی که راه خدا<sup>۱</sup> است، با پدر و مادر خود به طور پسندیده و متعارف مصاحبت کند، نه به طور ناشایست؛ و رعایت حال آن دو را کرده، با رفق و نرمی رفتار کند و جفا و خشونت در حقشان روا ندارد. در این مسیر، حتی نگاه محبت آمیز به پدر و مادر نیز ستودنی است و عبادت شمرده می شود. (۱) نیکی به والدین را مهم ترین تکلیف الهی تلقی کرده اند؛ این رویکرد در سخن حضرت رضا هویداست که آن را در قالب نکات زیر ذکر می کنیم:

۱.۵ نیکی کردن: «بِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَّ إِنَّ كَانَا مُشْرِكِينَ وَّ لِاطَاعَةِ لِهَمَا فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.» (= نیکی به پدر و مادر، اگرچه مشرک باشند، واجب است؛ ولی محدوده اطاعت از پدر و مادر تا جایی است که اطاعت آن ها، معصیت خدا نباشد.)

ص: ۳۵

---

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.



۲.۵ سپاسگزاری: خداوند به سه چیز، همراه با سه چیز دیگر، امر کرده است؛ از جمله: «أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ، فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ.» (= امر کرده است که از او تشکر کنند و سپاسگزار او باشند، همراه با شکر و سپاس از والدین؛ پس هر که از والدین خود تشکر نکرد و آن ها را سپاس نگفت، شکر خدا را به جا نیاورده و او را سپاس نگفته است.) (۱)

۳.۵ دوری از عقوق والدین: «حَرَّمَ اللَّهُ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ، لِمَا فِيهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ التَّوْفِيقِ لِعِطَاعِهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ التَّوْقِيرِ لِلْوَالِدَيْنِ وَ تَجَنُّبِ كُفْرِ النُّعْمَةِ وَ إِطْطَالِ الشُّكْرِ، وَ مَا يَدْعُو مِنْ ذَلِكَ إِلَى قَلْبِهِ النَّسْلِ وَ انْقِطَاعِهِ، لِمَا فِي الْعُقُوقِ مِنْ قَلْبِهِ تَوْقِيرِ الْوَالِدَيْنِ، وَ الْعِرْفَانِ بِحَقِّهِمَا، وَ قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَ الزُّهْدِ مِنَ الْوَالِدَيْنِ فِي الْوَلَدِ، وَ تَوَكُّبِ التَّزْيِيبِ بَعْلَهُ تَوَكُّبِ الْوَلَدِ بَرَّهُمَا.» (= خداوند متعال عقوق والدین را حرام کرده است و این به جهت خروج از اطاعت خداوند و تعظیم والدین و دوری از کفران نعمت و ابطال شکر و سپاسگزاری است. چنانچه عقوق والدین حرام نشده بود، قطع

ص: ۳۶

نسل پیش می آمد و احترام پدر و مادر از بین می رفت و کسی حقوق آن ها را نمی شناخت و در نتیجه، قطع رحم می شد و پدر و مادر اولاد خود را ترک می کردند و فرزندان هم از نیکی به آن ها خودداری می کردند.<sup>(۱)</sup>

و یادآوری این نکته از سعدی شیرازی، خالی از لطف نیست: وقتی به جهل جوانی، بانگ بر مادر زدم، دل آزرده به کنجی نشست و گریان همی گفت: «مگر خردی فراموش کردی که درشتی می کنی؟»

چه خوش گفت زالی به فرزند خویش چو دیدش پلنگ افکن و پیل تن

گر از عهد خردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش م-ن

نکردی در این روز بر من جفا که تو شیرمردی و من پی-رزن

ص: ۳۷



گام ششم: نیک سیرتی در خانه

به این سخن حضرت رضا باید گوش جان سپرد: «در قیامت، کسی به من نزدیک تر است که در دنیا، خوش اخلاق تر و نسبت به خانواده خود نیکوکارتر باشد.»<sup>(۱)</sup> حضرت رضا ساده زیستی را با آراستگی جمع کرده بودند و پاکیزگی را از اخلاق پیامبران می شمردند.<sup>(۲)</sup> امام ضمن حفظ آراستگی خود در خانه، بر آراسته بودن مرد در خانه تأکید می داشتند:<sup>(۳)</sup> محاسن خود را با خضاب سیاه می کردند<sup>(۴)</sup> و موهای سر و صورت خود را شانه می زدند.<sup>(۵)</sup> ایشان عطر زدن را از اخلاق پیامبران می شمردند.<sup>(۶)</sup> و همگان را به این ویژگی

سفارش می کردند: «بر هیچ کس

ص: ۴۰

---

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۲- تحف العقول، ص ۴۵۱.

۳- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۰۰.

۴- همان.

۵- همان، ج ۷۳، ص ۱۱۵.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۱۲.

روا نیست که از به کار بردنِ عطر در هر روز، خودداری کند و اگر قدرت نداشت، یک روز در میان خود را خوشبو کند و اگر باز هم نتوانست، در روز جمعه حتماً بوی خوش استعمال کند.»<sup>(۱)</sup>

امام رضا به آنان که دارای امکانات هستند، لازم می‌شمرند که خانواده خود را در رفاه و آسایش قرار دهند<sup>(۲)</sup> و می‌فرمودند: «شایسته است که مرد بر خانواده اش، از جهت مالی، توجه بیشتری کند تا آرزوی مرگ او را نکنند.»<sup>(۳)</sup> ایشان بر فراخی منزل تأکید می‌کردند و می‌فرمودند: «زندگی دنیا و لذت آن، در بزرگی منزل و دوستان زیاد است.»<sup>(۴)</sup> حضرت رضا برای یکی از خدمتکاران، خود منزلی خریدند و فرمودند که چون منزل شما تنگ است، در آنجا ساکن

ص: ۴۱

---

۱- شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۳۹۲.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۳- همان.

۴- عطار دی، مُسند الامام الرضا، ج ۲، ص ۳۷۴.

شو! آن مرد گفت که پدرم در اینجا زندگی می کرد. فرمودند: «اگر پدرت نادان بود، تو هم باید مانند او باشی!»<sup>(۱)</sup>

امام بر خوش اخلاقی و نیک رفتاری با خانواده توصیه می فرمودند: «أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ.» (= در قیامت، کسی به من نزدیک تر است که در دنیا، خوش اخلاق تر و نسبت به خانواده خود نیکوکارتر باشد.)<sup>(۲)</sup> همچنین، وقتی سخن از خانواده می رود، باید از صلۀ رحم و آمد و شد با خویشاوندان سخن گفت؛ رفت و آمدی که با نیکویی و عدم آزار همراه باشد. به فرمودۀ امام رضا: «با خویشاوند، محبت و پیوند کن؛ ولو به جرعه آبی و بهترین صلۀ رحم، خودداری از آزار اوست.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۴۲

---

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۵۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۳- تحف العقول، ص ۴۴۵.

گام هفتم: نظارت و اصلاحگری



مسلمان، صالح است و مُصلِح: او نخست با برپایی نماز و انس با خدا و دوری از گناه، به اصلاح خود می اندیشد و در مرتبه بعد، وظیفه اصلاح دیگران را عهده دار است. قرآن این برنامه اجتماعی را، پس از توصیه به نماز، یادآور می شود: [وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ]. (=) مردم را به نیکی ها و معروف دعوت کن و از منکرات و زشتی ها باز دار. (۱)

امر به معروف و نهی از منکر یکی از مشخصات روحی اسلام است و پروردگار دین خود را بر آن اساس، بنا نهاده و استوار ساخته است: [قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي]. (= این راه من است. من و پیروانم و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم.) (۲) نیز: [كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ]. (۳)

ص: ۴۴

۱- . لقمان/۱۷.

۲- . یوسف/۱۰۸.

۳- . آل عمران/۱۱۰.

اهتمام اسلام به امر به معروف و نهی از منکر، بدان حد است که غفلت و دوری از آن، عواقب خطرناکی در پی خواهد داشت. حضرت رضا از پیامبر چنین روایت فرمودند: «هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، باید در انتظار عذاب پروردگار باشد.» (۱) جامعه صالح که آن را با اندیشه ای سودمند و رفتاری صالح، بنیان نهاده اند، باید با تمام امکانات خود، رشد و کمال خود را حفظ کند و اگر کسی یا جمعی،

برخلاف مسیر آن، سازی جدا و انحراف گونه زد، نباید او را به حال خود وانهند و باید به مسیر راست، سمت و سویش دهند: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن ها همان رستگاران اند.» (۲) این آیه، از خیر و شر تعبیر به معروف و منکر کرده است، زیرا خداوند همگان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و عدم تفرقه دعوت کرده

ص: ۴۵

---

۱- تهذیب، ج ۶، ص ۱۷۷.

۲- آل عمران/۱۰۴.

است (۱) و طبیعی است که چنین جامعه ای، معروف در آن، خیر است و منکر در آن، شر. (۲)

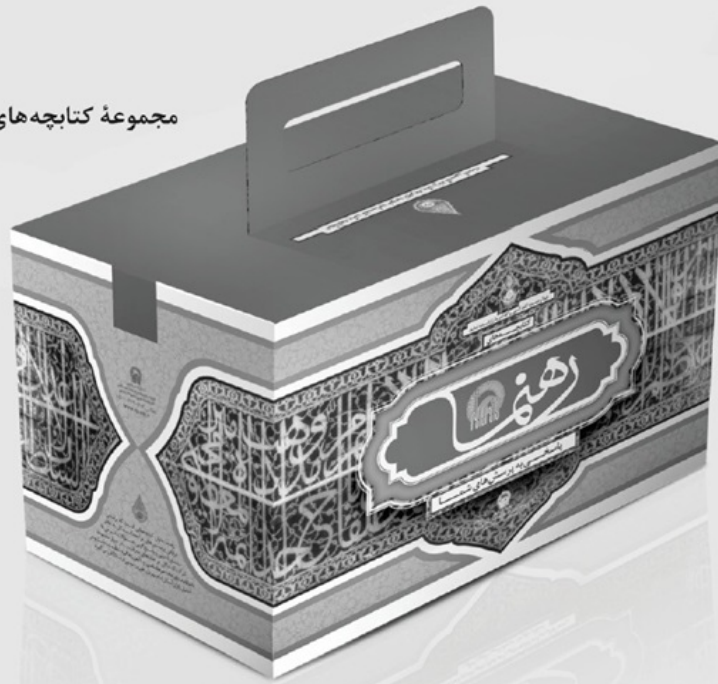
ص: ۴۶

---

۱- [وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا]. آل عمران/۱۰۳.

۲- . تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۷۳.

مجموعه کتابچه های رهنما







بسمه تعالی

هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
  ۲. ارتباط با مراکز هم سو
  ۳. پرهیز از موازی کاری
  ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
  ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲



بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

